

## قطر نیز به جمع کشورهای صادر کننده «دمکراسی» و مدافع «حقوق بشر» پیوست

ا.م. شیری

دور از انتظار نبود که ظهور مجدد جنبشهای رهائی بخش ملی در قرن بیست و یکم و مشارکت همگانی مردم مستعمرات در مبارزه علیه امپریالیسم و رژیمهای وابسته به آن، باعث شدت گیری یورشهای صلیبی استیلاگران بین المللی بشود.

همزمان با اوجگیری جنبشهای آزادیبخش ملی از آغاز سال جدید میلادی، ارتجاع امپریالیستی نیز تهاجم گسترده ای را برای تحکیم جای پای خود در مستعمرات سنتی و مستعمره سازی کشورهای «نامطلوب» آغاز کرد. تا کنون دو کشور آفریقایی لیبی و ساحل عاج قربانی تاخت و تاز امپریالیسم جهانی شده است.

ساحل عاج، بزرگترین کشور تولید کننده کاکائو در جهان، در پی چهار ماه کشمکش بین لوران گباگبو، حامل تمایلات ضداستعماری مردم این کشور و آلسان واتارا، نماینده صندوق بین المللی پول و دست آموز فرانسه، در اثر تهاجم نظامی فرانسه و کلاه آبی های سازمان ملل متحد که با تخطی از حق بیطرفی خود، در نقش ارتش مداخله گر وارد معادله شدند، با اینکه به سقوط رژیم مخالف استعمار غرب انجامید ولی، مناقشات هنوز ادامه دارد.

در لیبی نیز جنگ داخلی و تجاوز نظامی هنوز ادامه دارد. مردم لیبی در زیر آتش سه طرف؛ نیروهای وابسته به رژیم سرهنگ قذافی، بمبارانهای جنون آمیز ماشین جنگی امپریالیسم و تروریستهای مسلح وابسته به آن، گروه-گروه کشته می شوند. شهرها ویران و از سکنه خالی می گردند؛ میلیونها انسان از جمله یک میلیون کارگر خارجی از کار بیکار شده و از کشور فرار کرده اند. لیبی امروز به تمام معنی با فاجعه انسانی مواجه شده است. با این همه، انتظار نمی رود مسئله که بر که به این زودیاها در این کشور حل شود. زیرا، از یک سو، نیروهای مهین پرست بشدت در مقابل تروریسم دولتی استعمار غرب و تروریسم داخلی بشدت مقاومت می کنند و از دیگر سوی، دولت‌های امپریالیستی با توجه به بحران اقتصادی- مالی سنگین سرمایه داری و کسری بودجه ها و بدهی نجومی خود، نمی توانند هزینه ای یورشهای صلیبی زولانی مدت را تحمل کنند

امپریالیسم جهانی برای مداخله نظامی از پیش برنامه ریزی شده در لیبی، هر بار بهانه تازه و جعلیات تازه تری می تراشد. ابتدا با پخش اخبار از بیخ و بن کذب، پیرامون بمباران شهرها توسط نیروی هوایی لیبی، استفاده قذافی از «مزدوران آفریقای» در سرکوب مردم و سپس با مشاطه گری اتحادیه ارتجاع عربی، از شورای امنیت سازمان ملل مجوز پرواز ممنوع در آسمان لیبی را گرفت و بلافاصله، بمباران بشردوستانه مردم و شهرهای این کشور را آغاز کرد. در روزهای اخیر نیز با هدف توجه کشتار وسیع مردم غیرنظامی و ویرانیهای عظیم در اثر بمبارانهای دیوانه وار ماشین جنگی استعمار، خبر «استفاده قذافی از سپر انسانی» را جعل کرده است.

در هر دو کشور نامبرده، دولت‌های استیلاگر راه کار آزموده شده در تجزیه اتحاد شوروی و یوگسلاوی را برای در هم شکستن توان نیروهای مقاومت ملی بکار بستند:

- ایجاد مناقشه داخلی برای بر هم زدن ثبات و امنیت در کشور؛

- بسیج، سازماندهی، آموزش و تسلیح گروههای خرابکاری و تروریستی در داخل کشور.

هم اکنون از این متد در کشورهای دیگر، در وهله اول، در دو کشور سوریه و جمهوری سوسیالیستی بلاروس نیز استفاده می شود.

در جمهوری سوریه، اعتراضات به حاکمیت خاندان اسد درست مثل لیبی با تیراندازی باندهای تروریستی و تک تیراندازان به سوی معترضان آغاز شد و بگزارش رسانه های غربی تا کنون بیش از ۲۰۰ نفر کشته شده اند.

جمهوری سوسیالیستی بلاروس، بعنوان با ثبات ترین و امن ترین کشور جهان، کشوری کاملا عاری از معضلات بیکاری و بی مسکنی، فقر و گرسنگی و گرانی سیستماتیک ناشی از سلطه سیستم «بازار آزاد»، پس از آنکه در طول سالهای بعد از تخریب نظام سوسیالیستی بلوک شرق بر خلاف دیگر جمهوریهای اتحاد شوروی و کشورهای اروپای شرقی به زیر یوغ استعمار غرب گردن نهاد، دائماً آماج حملات ارتجاع امپریالیستی بوده. ترفندهای مختلف امپریالیسم غرب برای بر هم زدن ثبات و امنیت این کشور و بزانو در آوردن آن، بارها با شکست مواجه شده و صدور دمکراسی از نوع یوگسلاوی و یا افغانی و عراقی به این کشور ممکن نشده است.

علیرغم ناکامیهای پیاپی استعمار امپریالیستی در جمهوری سوسیالیستی بلاروس، امپریالیسم غرب باز هم متد شناخته شده خود را برای بر هم زدن امنیت این کشور بکار گرفت. بگزارش خبرگزاریهای مختلف، روز ۱۱ آوریل ۲۰۱۱، انفجار هدایت شونده مهیبی در توقفگاه «اکتبر» متروی پایتخت این جمهوری روی داد. در اثر این انفجار ۱۲ نفر کشته و بیش از ۱۶۰ نفر زخمی گردیدند که حال ۳۰ نفر از آنان وخیم گزارش شده است.

دولت بلاروس بلافاصله کشورهای خارجی را مسئول حادثه خواند. این در حالی است که «دو هفته قبل از این حادثه تروریستی، ۲۹ مارس، آژانس خبری «رگنوم» (Regnum) نزدیک به شورای امنیت فدرال روسیه نیز بدون اینکه بتواند شادمانی خود را پنهان کند، به خوانندگان نوید می دهد که: غرب سرنوشت قذافی را برای لوکاشنکو آماده می کند و در ادامه آن با اظهار نظر دور و دراز در این مورد که رئیس جمهور بلاروس نباید به این خیال باشد و بیانیدش که غرب پیروزی او در ۱۹ دسامبر سال گذشته را خواهد بخشید، تحلیلگران «امنیتی» پیشاپیش هدف را کاملا نشان دادند...» (معمای مینسک، الکساندر فرلوف، ۲۰۱۱/۴/۱۳ www.sovross.ru).

هر کسی که کمترین آشنائی را با اسلوب کار راهزنان بین المللی داشته باشد، می داند که انفجارات انتحاری و هدایت شونده از راه دور، یکی از شناخته شده ترین متدهای امپریالیسم جهانی و در رأس آن، سازمان امنیت دولت آمریکاست که بمنظور بر هم زدن آرامش کشورها و فراهم ساختن زمینه «صدور دمکراسی» به آنها روی می دهد.

گذشت زمان، افشای جعلیات و بهانه های کذابی اشغالگریها و جنگهای استعماری امپریالیسم جهانی در کشورهای مختلف، از جمله در یوگسلاوی، افغانستان، عراق، پاکستان، لیبی، بحرین و ساحل عاج، ماهیت فاشیستی- تروریستی امپریالیسم جهانی و مداخلات استیلاگرانه آن را چنان آشکار ساخته است که دیگر هر انسان اندیشمند و خردورزی بدون اینکه منتظر افشای اسناد حوادث بماند، می تواند منبع و سر چشمه حوادث امروزی سوریه و بلاروس را تشخیص دهد.

انتظار می رفت واقعیت حوادث استیلاگرانه و خونین حداقل دو دهه اخیر، وازدگان و متعصبان سیاسی را که با تکرار طوطی وار یاوه های کارگزاران سیاسی و ماشین تبلیغاتی خصم قسم خورده بشریت جهان در مورد «دموکراسی» و «حقوق بشر»، یورش صلیبی استعمار امپریالیستی به لیبی و دیگر کشورها را توجیه و تفسیر می نمایند، بر سر عقل آورد. اما آنها همچنان سعی می کنند باتکاء نظریات تقلبی، دموکراسی و حقوق بشر را یک امر فراطبقاتی تعریف کرده، اشغال و ویران کردن کشورها، بمبارانها و کشتار «بشردوستانه» مردم بیدفاع آنها را جزء حقوق خدشه ناپذیر ارتجاع امپریالیستی بخوانند.

در زندگی اجتماعی هر از گاهی چنان حوادث تکان دهنده ای روی می دهد که بیش از هر سند و صدها تحلیل و توضیح مستدل برای بیدار شدن بخش اعظم انسانهای نیمه بیدار و یا حتی خفته تأثیر

می گذارند. یکی از تکان دهنده ترین حوادث روزهای اخیر، خبر مربوط به پیوستن ارتجاعی ترین و پس افتاده ترین دولتهای جهان، از جمله عربستان سعودی، قطر و امارات متحده عربی به جمع «کشورهای صادر کننده دموکراسی و مدافع حقوق بشر» است. جای بسی امیدوار نیست هم‌آوایی، همیاری و همکاری فعال این کشورهای مفلوک تا اعماق وجود استعمارزده با دولتهای استعمارگر غرب در سرکوب خونین جنبشهای رهایی بخش منطقه و لشکرکشی به بحرین و همچنین، مشارکت فعال آنها، بخصوص قطر در تسلیح و تأمین مالی شورشیان لیبی و بمباران «بشردوستانه» شهرهای آن، چشم همه آن انسانها و تشکلهای به اصطلاح سیاسی را که هنوز جنگهای استعماری و یورشهای صلیبی را جزء حقوق مسلم دول امپریالیستی غرب می خوانند، باز کند.

اضافه بر این، در زیر ترجمه سه خبر دیگر در مورد حوادث لیبی را نیز تقدیم می کنم. باشد که نیروی متحد همه آزادیخواهان، جویندگان عدالت و جستجوگران حقیقت در جهان بتواند از ادامه یورشهای صلیبی ارتجاع امپریالیستی و تکرار فجایع هولناک کشورهای اشغالی، از جمله لیبی و ساحل عاج در سوریه و جمهوری سوسیالیستی بلاروس جلوگیری نماید.

۲۶ فروردین ۱۳۹۰

### سه خبر در باره حوادث لیبی

پایگاه اینترنتی «جنگ و صلح» ([www.warandpeace.ru](http://www.warandpeace.ru)) به نقل از تلویزیون خبری «ار بی سی» ([RBC](http://RBC)) و خبرگزاری «ریا نووستی» ([RIA Novosti](http://RIA_Novosti)) می نویسد:

شورشیان لیبی به «القاعده» اسلحه می فروشند

(دوم آوریل ۲۰۱۱)

تروریسم: واقعیتها و نیروی محرک آن

روزنامه الجزایری «اکسپرس سون» با استناد به مقامات نظامی الجزایر، در شماره روز شنبه خود می نویسد: شورشیان لیبی اسلحه و تجهیزات غارتی از انبارها ارتش را به گروههای جنگجوی القاعده در کشور اسلامی مغرب می فروشند.

بنوشته این روزنامه، این گروه تروریستی توانسته است به تسلیحات سنگین، و همچنین موشکهای ضدهوایی نیز دست یابد. طبق اطلاعات این منبع خبری، «القاعده» در کشور مغرب تجهیزات و تسلیحات جنگی را با پولهایی که به ازای رها کردن مقامات گروگان گرفته شده بدست می آورد، خریداری می کند. این روزنامه می نویسد اگر کشورهای غربی تصمیم به تسلیح شورشیان لیبی بگیرند، احتمال دارد این سلاحها هم بدست تروریستها بیافتند.

همین روز نامه در ادامه می نویسد: در حال حاضر، «القاعده» سعی می کند جنگجویان را در اراضی این کشور اجیر کرده و آنها را برای جنگ بر علیه معمر قذافی، رهبر رژیم لیبی آماده نماید.

این روز نامه ادامه می دهد: این ساده لوحی خواهد بود هر گاه تصور شود که «القاعده» عملیات خود را به لیبی محدود خواهد کرد. در همین رابطه، الجزایر تصمیم گرفت حفاظت از مرزهای مشترک خود با لیبی را که در حدود ۹۶۰ کیلومتر می باشد، تقویت کند. پنج گردان ارتش و هفت هزار ژاندارم به نواحی مرزی اعزام کرده است. بالگردها (هلی کوپترها) نیز از هوا مرزها را کنترل می کنند.

شعبه «القاعده» در کشور مغرب یکی از خطرناکترین سازمانهای افراطی در منطقه محسوب می شود و در عملیات گستاخانه و بغایت خشن بسیاری، از جمله در ربودن و کشتن خارجیان دست داشته است. تروریستها در مناطق کم جمعیت صحرانی در نزدیکی مرز الجزایر، مال و نیجریه، و همچنین لیبی مخفی می شوند. معمولاً برای گریز از تعقیب، آنها در کشورهای همسایه جمع می شوند.

(ریا نووستی)

«القاعده» انبارهای ارتش لیبی را تاراج می کند.

(پنجم آوریل ۲۰۱۱)

کانال تلویزیونی العربیه با استناد به مقامات عالیرتبه الجزایر گزارش داد: شاخه شمال آفریقای «القاعده» (القاعده در مغرب اسلامی)، از ناآرمیهای لیبی برای غارت اسلحه از انبارهای این کشور استفاده می کند.

بگفته آن، شبه نظامیان تندرو این گروهبندی موفق شدند مجموعه ای از موشک انداز آر پی جی-۷، مسلسلها و تفنگهای کالاشنیکوف (Calashnikov) و همچنین موشک اندازهای ضدهوایی نفری بدست بیاورند. اکثریت این تسلیحات، ساخت اتحاد شوروی می باشند.

بگفته مصاحب کانال تلویزیونی، سلاحهای لیبی با هشت دستگاه اتوموبیل باری توپوتا از خاک چاد و نیجریه به مالی حمل شده اند. «القاعده» سلاحها را در آنجا انبار می کند. بسخنان این منبع، صحبت نه بر سر یک بار دزدی سلاح و انتقال آنها به مالی، بلکه بر سر چندین کاروان القاعده از لیبی می رود.

مارک تونر، نماینده رسمی وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد، که واشینگتن از افتادن سلاحهای لیبی بدست القاعده نگران است. تونر اضافه کرد که، دولت آمریکا با نمایندگان شورشیان مخالف رژیم معمر قذافی در لیبی وارد مذاکره شده است.

اطلاعات مبنی بر اینکه القاعده تسلیحات متعلق به ارتش لیبی را بدست آورده است، از آغاز عملیات جنگی در این کشور در دست بوده است. خبر آنها ابتدا از زبان مقامات رسمی شنیده شد. اندریس دبی، رئیس جمهور چاد ۲۵ مارس اعلام کرد که جنگجویان «القاعده» سلاحها را از انبارهای اسلحه شورشیان مسلح مخالف رژیم کنونی لیبی دزدیده اند.

خبرهای منتشره در این باره حاکی از آنست که برخی کشورهای غربی (از جمله بریتانیا و فرانسه) همچنان بر سر مسئله تسلیح مخالفان قذافی که بگفته پنتاگون جنگجویان «القاعده» هم در میان آنها هستند، مذاکره می کنند.

(ار بی سی)

چاد برای دفع خطر مخالفان لیبی از ناتو کمک خواست.

(چهارم آوریل ۲۰۱۱)

### آفریقا بعنوان ذخایر هیچ کس

چاد برای دفاع از اتباع خود در مناطق تحت کنترل شورشیان از نیروهای ائتلاف کمک خواست. بگزارش کانال تلویزیونی الجزیره قطر، دولت این کشور از کشتارهای جمعی خبر می دهد.

بطوریکه کالزبه دبه، سخنگوی دولت چاد اظهار داشت، از زمان شروع عملیات نظامی، دهها نفر غیرنظامی بدست شورشیان لیبی کشته شده اند. این احتمال که همه اتباع چاد ممکن است مزدوران معمر قذافی باشند، سبب این کشتارها بوده است.

دولت چاد خاطرنشان می سازد بعضی از اتباع این کشور را که از سوی شورشیان مسلح دستگیر شده اند، در کانالهای تلویزیونی بعنوان اسیر از میان مزدوران قذافی معرفی کرده اند.

مخالفان از همان اول سعی کردند جامعه جهانی را مطمئن سازد که این مردم لیبی نیست که بطرفداری از قذافی می جنگد، بلکه مزدورانی از دیگر کشورها هستند که به ازای پرداخت پول بیشتر، مردم عادی را می کشند. ناظران غربی نیز در این باره خاطرنشان می سازند که سخن بر سر مزدوران خارجی نبوده، بلکه بر سر مهاجران آفریقایی می باشد که از سالهای زیادی پیش در جستجوی زندگی بهتر در لیبی ساکن شده اند.

(ار بی سی)

---

این مطلب و نوشتارهای دیگر از همین قلم در آدرس زیر نیز در دسترس میباشد:

[www.eb1384.wordpress.com](http://www.eb1384.wordpress.com)

[ibi-shi@mail.ru](mailto:ibi-shi@mail.ru)